

نقش

شوراهای اسلامی روستایی

در تصمیم گیری و مشارکت

توسعه روستایی و مشارکت

دکتر احمد حامد مقدم

مجموعاً شوراهای روستایی را در برخورد با این محاکم برای انجام مسئولیت‌هایشان مواجه با اشکال اساسی ساخته است.

حذف پیچیدگی‌ها و ایجاد شرایطی که روستائیان و شوراهای اسلامی روستایی بتوانند مشکلات خود را طرح نموده، احقاق حق کنند، اصلاح قوانین موجود حقوقی و قضایی تا امکان صدور حکم به نفع محرومین صاحب حق را امکان پذیر سازد، و پیش‌بینی محاکمی که در روستاها و در کنار روستائیان وجود داشته باشد و برای آنها به آسانی قابل دسترسی باشد، از اقداماتی هستند که می‌توانند شوراهای اسلامی روستایی را در جهت انجام مسئولیت‌هایشان توانا سازند.

همچنین نظام اداری موجود نیز، به شکلی نیست که بتواند تسهیل کننده کارهای شوراهای اسلامی روستایی باشد، بلکه عاملی است در جهت حذف مستضعفین از صحنه‌های عمل اقتصادی و اجتماعی. دستگاه‌های اداره کننده جامعه بدلیل بزرگ بودن تشکیلاتشان و راه‌های پر پیچ و خم انجام امور در آنها، روستائیان نه تنها قادر به شناختن آن دستگاه‌ها نیستند، بلکه حتی نمیی‌توانند در این تشکیلات به نوعی در برنامه ریزی اجرای طرح‌ها مشارکت داشته باشند. تازه اینکه به قدری بادیید تخصصی به کارنگاه می‌کنند، و تخصص را نیز در انحصار خود می‌بینند که دیگر جایی برای بروز ابتکارات و خلاقیت‌های مردم عادی باقی نمی‌گذارند.

بنابراین تا زمانیکه نظام فعلی اداری پا برجا باشد، شوراهای اسلامی روستایی، به عنوان پایه شوراهای کشوری و همچنین عامل تحقق حاکمیت مردم محروم روستاها، به میزان زیادی قابلیت‌ها و کارآئی‌های خود را از دست خواهند داد و نمیتوانند جایگاه اساسی خود را در تحقق حاکمیت مستضعفین و همچنین رشد و توسعه اقتصادی اجتماعی روستاها، و بالمآل کشور، ایفا نمایند.

امید آنکه همه خدمتگزاران انقلاب و مردم، در راستای وظایفی که به عهده دارند، به شکلی انقلابی در جهت تحقق حاکمیت مستضعفین از طریق تقویت شوراهای اسلامی روستایی و فراهم ساختن زمینه‌ها و شرایط لازم برای فعالیت و اعمال حاکمیت آنان، تلاش نمایند.

از سوی دیگر باید عوامل معارض و معاند با شوراهای، در روستاهای میهن اسلامی را تحت کنترل درآورد، تا آنها بتوانند اعمال حاکمیت و تصمیم نمایند.

شوراهای به عنوان نمایندگان صالح روستا و بازوان دولت جمهوری اسلامی و نمایندگان انقلاب اسلامی در روستاها، درست حرکت مقابل خوانین و شیوخ را دارند. اینها انقلاب را در روستاها حاکمیت می‌بخشند و روستائیان را در جهت احقاق حقوقشان یاری می‌دهند، اما خوانین، نابودی انقلاب و ارزشهای آن و استثمار مستضعفین را مورد توجه خود دارند. اینست که حضور این دو در روستاها، با هم تعارض و تضاد دارد. کم نبوده و نیستند شوراهای روستایی که پس از شروع فعالیت در روستا با برخورد شدید خوانین روبرو شده، خانواده‌شان مورد اذیت قرار گرفته و خود به شهادت رسیده‌اند.

حل کامل و انقلابی مسئله زمین، که پایه زندگی اقتصادی را در روستا تشکیل می‌دهد، و خلع‌ید از خوانین، امکان لازم برای فعالیت شورا را فراهم می‌کند. در عین حال که، در چنین وضعیتی، نتایج فعالیت‌های عمرانی، رفاهی و حرکت در جهت توسعه کشاورزی، به جیب ملاکین و خوانین سرازیر نمیشود، بلکه نصیب صاحبان واقعی انقلاب و زحمتکشان روستا می‌شود. در این ارتباط، اگر حل کامل مسئله زمین به عهده مجلس شورای اسلامی قرارداد، مبارزه با خوانین نیز از وظایف قوه قضائیه می‌باشد.

حاکمیت قرنها حکومت جور بر میهن اسلامی بخصوص بر روستاها، عوارض فرهنگی، اجتماعی بجا مانده از این حاکمیت دیر پا در روستاها، سرخورد با خوانین و ملاکین، مسئولیت و وظایف شوراهای، مجموعاً شرایطی را فراهم کرده است که شوراهای اسلامی روستایی مجبورند بطور مستمر و مداوم با دستگاه قضائی و دادگستری برخورد و تماس داشته باشند. از سوی دیگر یافت و سیستم فعلی بجا مانده از نظام طاغوت در دستگاه دادگستری خود مانعی بر سر راه اعمال حاکمیت و حل مسائل شوراها است. قوانین و تبصره‌های بجا مانده از نظام سابق، پیچیدگی کار دادرسی در محاکم دادگستری، روحیات حاکم بر بافت آن که سنخیتی با احقاق حقوق مستضعفین ندارد،

بررسی رابطه دو جریان، «مشارکت» و «توسعه روستایی»، با توجه به مسئولیت شوراهای در این جریان، موضوع تحقیقی است که توسط دکتر حامد مقدم از اساتید دانشگاه فردوسی مشهد بر روی ۳۰ تا از شوراهای اسلامی روستایی استان خراسان انجام گرفته است. لازم به توضیح است که این مطلب جهت کنفرانس مشارکت که در پائیز سال جاری از سوی جهادسازندگی دز شیراز برگزار گردید تهیه شده و متن حاضر خلاصه ای از متن اصلی میباشد.

هدف

همانطور که از عنوان طرح برمی آید، هدف این بررسی، عبارتست از:

بررسی رابطه دو جریان مشارکت و توسعه در سطح روستا، بدیهی است چون شوراهای اسلامی روستایی نهادهایی هستند که عمده در این دو امر یعنی «توسعه روستایی» و «جلب مشارکت روستائیان» در طرحهای توسعه و عمران فعال می باشند و از طرف دیگر خود این شوراهای جلوه ای از مشارکت روستائیان بشمار می آیند، به عنوان موضوع اصلی تحقیق انتخاب شدند، تا اثرات و عملکرد آنها در روستاها مورد مطالعه قرار گیرد و نقاط ضعف و قوت تشخیص داد شده و بتوان از نتایج این تحقیق کاربرد عملی، در جهت بهبود بیشتر شوراهای بهره گرفت.

جامعه آماری:

جامعه آماری شامل کلیه روستاهای دارای شورای اسلامی در سطح استان خراسان می باشد. اما با توجه به زیاد بودن تعداد این روستاها، از بین جامعه آماری نمونه گیری بعمل آمده و بررسی در سطح جامعه نمونه انجام می پذیرد.

جامعه نمونه:

۵ درصد از روستاهای دارای شورای اسلامی روستایی.

در مجموع ۳۰ روستا به شرح زیر به عنوان طرح آزمایش انتخاب و بررسی های لازم، در آنها به عمل آمده است؛ که نوشته حاضر نتیجه همین تحقیقات آزمایشی میباشد. بنابراین اعتبار و قابلیت نتایج آن در همین حد محدود صحت دارد.

۱- شهرستان نیشابور	۱۰ روستا
۲- شهرستان تربت جام	۶ روستا
۳- شهرستان گناباد	۷ روستا
۴- شهرستان قوچان	۷ روستا
جمع	۳۰ روستا

آشنائی مردم با شورا

شوراها بعنوان نهادی فعال در روستاها حضور دارند و ارتباط بین مردم و شورا ارتباطی رودررو و مستقیم میباشد. وجود شورا در روستاها برای تمامی اهالی روستا ملموس است و میزان شناسائی اعضای شورا برای تمامی اهالی صد درصد می باشد. مقایسه میزان شناسائی مردم از اعضای شورا با میزان شناسائی مردم از اعضای انجمن ده در رژیم طاغوت، بیانگر تفاوت شدید رابطه این دو تشکیلات میباشد. تحقیقی که در مورد انجمنهای ده در منطقه گیلان انجام گرفته، میزان شناسائی مردم از اعضای انجمن ده را مشخص کرده است. این میزان طبق جدول (۱) میباشد.

جدول شماره (۱)- میزان آگاهی رؤسای خانوارهای نمونه روستائی نسبت به انجمن های ده

میزان آگاهی	تعداد	درصد
سه نفر را می شناسید	۲۰۵	۳۷
دو نفر را می شناسند	۱۱۱	۲۰
یک نفر را می شناسند	۸۰	۱۴/۵
هیچکدام را نمی شناسند	۱۵۸	۲۸/۵
جمع	۵۴۴	۱۰۰

بنابراین با مقایسه این جدول با میزان شناسائی فعلی که در تمام روستاهای مورد بررسی و برای تمامی اقشار روستائی، صد درصد بوده است، می توان به برخی تفاوت های عمده ای که بین شوراهای اسلامی روستائی با انجمن های ده وجود دارد که مهمترین آنها در زمینه های زیر می باشد، پی برد:

— نحوه ارتباط با مردم

— نحوه تشکیل این دو نهاد که انجمن های ده در نظر روستائیان جنبه فرمایشی و تشریفاتی داشته ولی شورا نهادی خودجوش و برخاسته از متن مردم و انقلاب می باشد، بنابراین مردم با شورا احساس همبستگی بیشتری داشته و ممکن است با انجمنهای ده نوعی احساس بیگانگی می کرده اند.

— از لحاظ مذهبی اعضای شورا عمدتاً افرادی مؤمن و متعهد و مورد اطمینان مردم هستند، در صورتیکه اعضای انجمن ده معمولاً فاقد این خصوصیات بوده اند یا لاقبل وابستگی شدید به رژیم داشته اند.

ملاک انتخاب اعضای شورا

مهمترین ملاکهایی که روستائیان برای انتخاب اعضای شورا داشته اند، متدین بودن و قابل اطمینان بودن آنان است. سایر ملاکها به ترتیب عبارتند از: داشتن امکان فعالیت برای روستا، عدالت، خویشتاوندی، رأی

• وجود شورا در

روستاها برای تمامی

اهالی روستا ملموس

است و میزان شناسائی

اعضای شورا برای

تمامی اهالی صد

درصد می باشد.

مقایسه میزان شناسائی

مردم از اعضای شورا با

میزان شناسائی مردم از

اعضای انجمن ده در

رژیم طاغوت، بیانگر

تفاوت شدید رابطه این

دو تشکیلات می باشد؛

که مهمترین موارد

تفاوت این دو

تشکیلات در نحوه

ارتباط با مردم، نحوه

تشکیل این دو نهاد و

صلاحیتهای فردی

و اجتماعی اعضای

آنها بوده است.

مجموعه‌دین و باسواد بودن. جدول شماره (۲) بیانگر این ملاکها می باشد:

جدول شماره (۲) - توزیع ملاکهای انتخاب اعضای شورا

ملاکها	تعداد موافقین	تعداد موافقین درصد
متدین بودن	۸۳	۱۰۵
مطمئن بودن	۲۴	۸۳
داشتن امکان فعالیت	۲۱	۷۲
عدالت	۱۰	۳۵
خویشاوندی	۴	۱۵
رای معتمدین و بزرگترها	۴	۱۵
باسواد بودن	۱	۴
انتصاب	۲	۶
بی جواب	۴	۱۳
جمع	۱۰۰	۳۴۸

مراجعه به شورا:

از میان خانوارهای مورد بررسی ۶۶ درصد در طی سال گذشته به شورا مراجعه کرده و ۳۴ درصد به شورا مراجعه نکرده‌اند. جدول شماره (۴) و (۵) توزیع افرادی را که به شورا مراجعه کرده و یا مراجعه نکرده‌اند، برحسب نوع شغل و شهرستانهای مورد مطالعه نشان میدهد.

مراجعه و یا عدم مراجعه هر دو گروه فوق به شورا به

● **مهمترین ملاکهای که روستائیان برای انتخاب اعضای شورا داشته‌اند، متدین بودن و قابل اطمینان بودن آنان است. سایر ملاکها به ترتیب عبارتند از: داشتن امکان فعالیت برای روستا، عدالت، خویشاوندی، رأی معتمدین و باسواد بودن.**

دلایل خاصی می باشد. جدول (۶) علت مراجعه روستائیان را به شورا نشان میدهد:

جدول شماره (۶) توزیع دلایل مراجعه روستائیان به شوراهای اسلامی

دلایل مراجعه به شورا	تعداد	درصد
امور روزمره زندگی	۱۳۲	۶۳
امور کشاورزی و دامداری	۱۶	۸
کارهای عمرانی	۱۴	۷
حل اختلافات	۱۳	۶
متفرقه	۳۳	۱۶
جمع	۲۰۸	۱۰۰

همانطور که در جدول فوق مشاهده میشود، بیشترین دلیل مراجعه برای انجام امور روزمره از قبیل: گرفتن حواله، کوپن، قرعه کشی کالا و مانند اینها بوده است. با عنایت به این دلایل میتوان گفت که شوراها تا اندازه زیادی از هدف و وظایف اصلی خود دور مانده و منحرف شده‌اند و بیشتر به عنوان مرکزی جهت انجام امور روزمره درآمد اند تا نهادی که عمده ترین وظیفه و نقش آن توسعه روستا و جلب مشارکت مردم می باشد. علل دیگر مراجعه

جدول شماره (۴) توزیع افراد مراجعه کرده و مراجعه نکرده به شورا برحسب نوع شغل

شغل	مراجعه کرده		مراجعه نکرده		جمع
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
کشاورز	۱۰۹	۶۶	۵۵	۳۴	۱۶۴
دامدار	۶	۵۰	۶	۵۰	۱۲
کارگر	۵۵	۷۳	۲۰	۲۷	۷۵
کاسب	۹	۵۶	۷	۴۴	۱۶
روحانی	۱	۱۰۰	—	—	۱
ازکار افتاده	۱	۲۵	۳	۷۵	۴
کارمند	۱	۵۰	۱	۵۰	۲
جمع	۱۸۲	۶۶	۹۲	۳۴	۲۷۴

جدول شماره (۵) توزیع افراد مراجعه کرده و مراجعه نکرده به شورا برحسب شهرستان

شهرستان	مراجعه کرده		مراجعه نکرده	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد
نیشابور	۵۸	۳۲	۲۷	۲۹
تربت جام	۴۵	۲۱	۱۱	۱۲
گناباد	۴۵	۲۵	۲۲	۲۴
قوچان	۴۰	۲۲	۳۲	۳۵
جمع	۱۸۲	۱۰۰	۹۲	۱۰۰

● **از میان خانوارهای مورد بررسی ۶۶ درصد در طی سال گذشته به شورا مراجعه کرده و ۳۴ درصد به شورا مراجعه نکرده‌اند. بیشترین دلیل مراجعه برای انجام امور روزمره بوده؛ و مهمترین علت عدم مراجعه، احتیاج نداشتن روستائیان به شورا مطرح شده است.**

به شورا به ترتیب عبارتند از:

امور متفرقه، امور کشاورزی و دامداری، کارهای عمرانی و حل اختلافات.

در مقابل، مهمترین علت عدم مراجعه، احتیاج نداشتن روستائیان به شورا مطرح شده است، این امر نیز می تواند مؤید ادعای فوق باشد. چون در حقیقت شورا نهادی نیست که مردم به آن نیاز نداشته باشند، وظایف شورا و دلایل وجودی آن به گونه ای است که بایستی ارتباط تنگاتنگ میان شورا و روستائیان همواره وجود داشته باشد و بهر میزان این ارتباط کاهش پیدا کند، از کارآئی شورا کاسته شده است. جدول (۷) نشانگر علل عدم مراجعه روستائیان به شورا می باشد.

جدول شماره (۷) توزیع دلایل عدم مراجعه روستائیان به شورا

دلایل عدم مراجعه	تعداد	درصد
احتیاج نداشتن	۸۷	۹۲
بی اعتمادی به شورا	۶	۶
بهاه گیری شورا	۱	۱
بی جواب	۱	۱
جمع	۹۵	۱۰۰

اثرات شورا

نظر روستائیان در مورد اثری که شورا در روستا برجای گذاشته، مورد بررسی قرار گرفته است، ۴۱ درصد از پاسخ های ارائه شده، که بیشترین میزان نیز می باشد، اثر شورا را اداره بهتر روستا می دانند و ۲۲ درصد اثر شورا را توسعه و عمران روستا ذکر کرده اند. در مراحل بعد به ترتیب پاسخ های ارائه شده عبارتند از: بی تأثیر بودن شورا، جلوگیری از اختلافات، بهبود کشاورزی، امور متفرقه و فقط یک درصد از جوابها اثر شورا را بدتر شدن وضعیت روستا دانسته اند. جدول شماره (۸) بیانگر نظر روستائیان در مورد اثر شوراها می باشد.

حلوله های مشارکت شوراها

برای مطالعه مشارکت در روستاها، ابتدا مشارکت به دو نوع عمده تقسیم شده و هر یک از این دو نوع نیز به بخشهای کوچک تری تقسیم شده است. این تقسیم بندی بصورت زیر می باشد:

۱- مشارکت در جنگ - که از سه جنبه بررسی شده است:

الف- اعزام نیرو.

ب- کمک مالی.

ج- بازسازی مناطق جنگ زده.

۲- مشارکت در توسعه - که به دو نوع تقسیم شده است:

● نظر روستائیان در مورد اثری که شورا در روستا برجای گذاشته، مورد بررسی قرار گرفته است. ۴۱ درصد از پاسخ های ارائه شده، که بیشترین میزان نیز می باشد اثر شورا را اداره بهتر روستا می دانند و ۲۲ درصد اثر شورا را توسعه و عمران روستا ذکر کرده اند.

جدول شماره (۸) توزیع نظر روستائیان در مورد اثر شورا بر روستا

نوع اثر	تعداد	درصد
اداره بهتر روستا	۱۳۴	۴۱
کارهای عمرانی	۶۹	۲۲
بی اثر	۱۲۰	۳۷
جلوگیری از اختلافات	۳۱	۱۰
بهبود کشاورزی	۲۱	۷
امور متفرقه	۱۰	۳
نمی دانم	۷	۲
بدون جواب	۶	۲
بدتر شدن	۴	۱
جمع	۳۲۰	۱۰۰

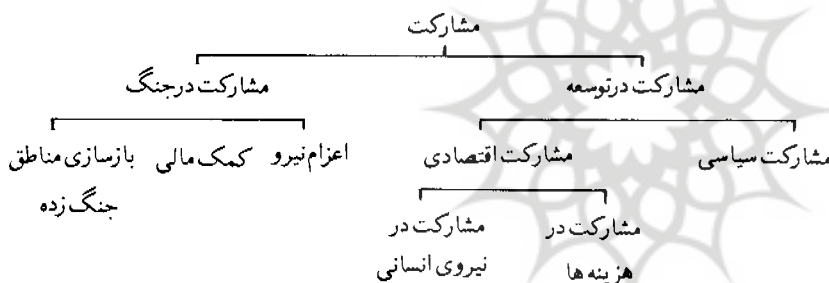
الف- مشارکت در انتخابات شورا (بعد سیاسی).

ب- مشارکت در طرحهای عمرانی (بعد اقتصادی).

مشارکت در طرحهای عمرانی نیز خود بردو نوع می باشد:

ب ۱- مشارکت در هزینه طرحها.

ب ۲- مشارکت از لحاظ نیروی انسانی.



۱- مشارکت در جنگ:

همانطور که گفته شد، مشارکت در جنگ از سه بعد: اعزام نیرو، کمک مالی، و بازسازی مناطق جنگ زده قابل مطالعه می باشد. منظور از اعزام نیرو صرفاً نیروهای داوطلب بسیجی هستند، نه نیروهائی که از طرف ارتش و سپاه در جبهه های نبرد حق علیه باطل به نبرد مقدس مشغول میباشند. از آنجا که امکان دسترسی به آمار نیروهای بسیجی روستا از ابتدای جنگ تاکنون میسر نیست، مطالعات انجام شده در این مورد بر مبنای آمارهای موجود از ابتدای سال ۶۵ صورت گرفته است.

در مورد کمک مالی به جبهه ها، حتی از ابتدای سال ۶۵، امکان دسترسی به آمار و ارقام صحیح وجود ندارد، چون روستائیان کمک های خود را به صورت جنسی و نقدی از طرق مختلف و بدون محاسبه به جبهه های نبرد

اهداء می کنند و مقدار این کمک ها بصورت دقیق روشن نمی باشد.

کمک به بازسازی مناطق جنگ زده از ابتدای شروع به بازسازی مورد مطالعه قرار گرفته است. چون آمار کلیه نیروهای داوطلب که به این منظور به مناطق جنگ زده اعزام شده اند مشخص است. بنابراین مشارکت در جنگ از طریق دو شاخص مورد بررسی قرار گرفته است:

اعزام نیروی داوطلب رزمنده از ابتدای سال ۶۵ و دیگر کمک نیروی انسانی به بازسازی مناطق جنگ زده.

برای بدست آوردن شاخص متناسب در کلیه روستاها، تعداد افراد اعزامی ضرب در روزهایی که در جبهه ها و یا مناطق جنگ زده بوده اند شده و حاصل ضرب بر تعداد خانوار و روستا تقسیم گردیده است. نتایج بدست آمده در شهرستانهای مورد مطالعه در جدول شماره (۹) نشان داده شده است:

جدول شماره (۹) شاخص مشارکت در جنگ در روستاهای مورد مطالعه بر حسب شهرستان

شهرستان	اعزام نیروبازسازی
نیشابور	۵/۶ / ۲/۴
تربت جام	۲/۲ / ۰/۵
گناباد	۳/۷ / ۱/۳
قوچان	۵/۱ / ۱/۱
میانگین	۴/۲ / ۱/۳

۲- مشارکت در توسعه:

الف- مشارکت سیاسی:

مشارکت سیاسی از طریق سه شاخص مورد مطالعه قرار گرفته است:

۱- نسبت افرادی که در آخرین انتخابات شورا شرکت کرده اند به جمعیت ۱۵ سال به بالا.

• اجرای طرحهایی در زمینه افزایش درآمد روستائیان، برخورد قاطع با عوامل بازدارنده، توجه بیشتر به برنامه های فرهنگی و تبلیغاتی، برگزاری انتخاب شوراهای در موعد مقرر، برگزار دوره های آموزشی برای شوراهای، از جمله مواردی هستند که توجه به آنها میتواند در حل مسائل شوراهای روستایی بسیار مؤثر باشد.

۲- نسبت حداکثر آراء ماخوذه در شورا به جمعیت ۱۵ ساله به بالا.

۳- نسبت حداقل آراء ماخوذه در شورا به جمعیت ۱۵ ساله به بالا.

به منظور بدست آوردن شاخص واحدی از آراء ماخوذه، میانگین حداکثر و حداقل آراء در هر روستا نیز محاسبه شده است.

در مطالعاتی که بمنظور تعیین ضرایب همبستگی انجام گرفته، شاخص شماره (۱) بعنوان شاخص مشارکت سیاسی در نظر گرفته شده است. شاخص های مشارکت سیاسی در روستاهای شهرستانهای مورد مطالعه در جدول شماره (۱۰) آمده است.

جدول شماره (۱۰) شاخص مشارکت سیاسی در روستاهای مورد مطالعه بر حسب شهرستان

شهرستان	نسبت رأی دهندگان	حداکثر آراء	حداقل آراء	میانگین
نیشابور	۵۲/۹	۳۱	۱۴/۴	۲۳/۳
تربت جام	۶۳/۸	۳۵/۸	۱۶/۸	۲۵/۵
گناباد	۴۲/۵	۳۲	۱۵/۴	۲۳/۸
قوچان	۲۱	۱۰/۸	۵/۸	۸/۶
میانگین	۴۵	۲۷/۴	۱۳/۱	۲۰/۳

ب- مشارکت اقتصادی:

بدیهی است مشارکت واقعی در طرحهای عمرانی هنگامی وجود دارد که روستائیان در تمام مراحل یک طرح به معنی درست کلمه مشارکت داشته باشند. یعنی مشارکت مردم تنها به مشارکت اقتصادی محدود نباشد. یا بعبارت دیگر طرحهای عمرانی از بالا اجراء شود و در تصمیم گیری طرحها و تشخیص نیازها، روستائیان مشارکت نداشته باشند. البته این امر در مورد اکثریت قریب به اتفاق طرحهایی که در روستاها اجراء شده وجود ندارد و در تصمیم گیری ها و احساس نیاز به طرحها، شورا و یا مستقیماً روستائیان مشارکت داشته اند، بعلاوه این مشارکت در مرحله اجراء نیز بقوت خود باقی بوده است. اما جنبه ای که در اجرای طرحهای عمرانی عینیت دارد و قابل محاسبه و بررسی می باشد، مشارکت اقتصادی در آنهاست که به دو صورت مشارکت در هزینه ها و مشارکت نیروی انسانی به منصف ظهور میرسد.

۱- (ب) مشارکت در هزینه ها:

بمنظور محاسبه مشارکت در هزینه ها، کلیه طرحهایی که از ابتدای تأسیس شورا در روستا به انجام رسیده مشخص شده، سپس میزان همیاری و کمک مردم به هزینه هریک از این طرحها تعیین گردید. از تقسیم مجموع

• بین مشارکت سیاسی و مشارکت در طرحهای عمرانی، براساس این تحقیق، همبستگی معنی دار با احتمال ۹۹٪ وجود دارد؛ بخصوص وقتی روستاهایی که عمده مالکی هستند و یا دارای عوامل مخالف شورا هستند، حذف می شوند، این همبستگی افزایش پیدا می کند.

این هزینه‌ها بر تعداد خانوار روستا و تقسیم رقم بدست آمده بر عدد ۱۰۰ شاخص مشارکت پولی روستاها بدست آمد.

۲- ب) مشارکت نیروی انسانی:

برای محاسبه مشارکت نیروی انسانی نیز مجموع نفر/ روز کارگران داوطلبی که از طرف روستا برای طرحهای فوق اختصاص یافته بر تعداد خانوار روستا تقسیم گردید، رقم بدست آمده بعنوان شاخص مشارکت نیروی انسانی در روستاهای مناطق مختلف مورد مطالعه قرار گرفته است.

مجموع مشارکت هزینه‌ای و نیروی انسانی:

بمنظور اینکه بتوان میزان مشارکت روستائیان در طرحهای عمرانی را سنجید، باید دو رقم فوق به یک شاخص واحد تبدیل شود، این امر از طریق تبدیل مشارکت نیروی انسانی به مشارکت در هزینه‌ها، یعنی محاسبه دستمزد نیروی انسانی و جمع کردن آن با کمک پولی طرحها امکان پذیر گردید، بدیهی است رقم بدست آمده بر تعداد خانوار روستا تقسیم شده است.

جدول شماره (۱۱) توزیع شاخص‌های مشارکت در طرحهای عمرانی در شهرستانهای مورد مطالعه.

شهرستان	مشارکت در هزینه‌ها	مشارکت نیروی انسانی	جمع
نیشابور	۸۹/۳	۷/۶	۲۱۹/۴
تربت جام	۳۶/۹	۱۶۷	۲۱۳
گناباد	۶۷/۹	۱۳	۲۳۱/۴
قوچان	۱۴۲	۴/۲	۲۰۸/۹
میاندکین	۱۱۶/۶	۸/۵	۲۱۸/۲

مطالعه همبستگی بین مشارکت و برخی متغیرها

بدلیل کم بودن تعداد روستاهای نمونه، مطالعه همبستگی بین متغیرهای مختلف و مشارکت تقریباً امکان پذیر نمی‌باشد، بخصوص وقتی روستاها به چند نوع تقسیم می‌شوند، این محاسبه به هیچ وجه ممکن نیست. با وجود این، کوشش‌های زیادی برای مطالعه همبستگی‌ها بعمل آمد که همبستگی‌های معنی‌دار بدست آمده بشرح زیر میباشند:

همبستگی بین مشارکت سیاسی و مشارکت در طرحهای عمرانی:

بین این دو نوع مشارکت، همبستگی معنی‌دار با احتمال ۹۹٪ وجود دارد؛ بخصوص وقتی روستاهائی که عمده مالکی هستند و یا دارای عوامل مخالف شورا هستند، حذف می‌شوند، این همبستگی افزایش پیدا میکند. این امر حداقل در مورد شهرستان نیشابور صادق است چون با

● محاسبه ضریب همبستگی بین

«اختلاف در میزان

مالکیت زمین و

دام» و «مشارکت در

طرحهای عمرانی»،

در سطح مجموع

روستاهاى مورد

مطالعه، با احتمال

۹۵٪ معنی‌دار است.

به این معنا که بطور

کلی هرچه اختلاف

بین حداقل و حداکثر

میزان مالکیت زمین و

دام کمتر باشد، میزان

مشارکت بیشتر

می‌شود.

حذف این روستاها، همبستگی بین دو نوع مشارکت از ۰/۷۲ به ۰/۸۴ افزایش پیدا می‌کند. این افزایش موید تأثیر منفی این عوامل بر فعالیتهای شورا و مشارکت مردم در امور مربوط به خودشان می‌باشد.

همبستگی بین سطح رفاه اقتصادی و مشارکت در هزینه‌ها:

بین این دو متغیر در سطح مجموع چهار شهرستان همبستگی معنی‌داری به دست نیامد. ولی فقط در روستاهای گناباد این همبستگی با احتمال بیش از ۹۹٪ معنی‌دار است. البته چون عوامل متعددی در این مورد و همچنین در سایر موارد دخالت دارند و حجم نمونه در طرح آزمایشی خیلی محدود است، نمی‌توان به صورت دقیق این عوامل را جدا کرد و سپس به مطالعه همبستگی‌ها پرداخت.

همبستگی بین اختلاف در میزان مالکیت زمین و دام و مشارکت در طرحهای عمرانی:

محاسبه این ضریب همبستگی در سطح مجموع روستاهای مورد مطالعه با احتمال ۹۵٪ معنی‌دار است، به این معنا که بطور کلی هرچه اختلاف بین حداقل و حداکثر میزان مالکیت زمین و دام کمتر باشد، میزان مشارکت بیشتر می‌باشد.

همبستگی بین شاخص کلی مشارکت و شاخص سرمایه‌گذاری‌های مردم و دولت:

منظور از شاخص سرمایه‌گذاری‌های مردم و دولت این است که برای اجرای هر طرح عمرانی، علاوه بر میزان کمک و همیاری مردم (شاخص مشارکت در هزینه) دولت نیز مقداری از هزینه را پرداخته است. مقدار کمک دولت نیز همانند شاخص مشارکت مردم در هزینه‌های طرحهای عمرانی محاسبه شده و از مجموع این دو رقم، شاخص سرمایه‌گذاری‌های مردم و دولت بدست آمده است. بین این شاخص و شاخص کلی مشارکت نیز همبستگی معنی‌دار وجود دارد. این همبستگی در سطح مجموع چهار شهرستان مورد مطالعه و نیز در شهرستان نیشابور با احتمال ۹۵٪ معنی‌دار می‌باشد ولی با حذف روستاهای عمده مالکی و روستاهائی که دارای عواملی هستند که مانع فعالیت شوراها می‌باشند، ضریب همبستگی افزایش چشمگیری پیدا میکند و معنی‌داری آن هم در مجموع و هم در نیشابور به ۹۹٪ میرسد.

استان	ضریب همبستگی در مجموع روستاها	ضریب همبستگی پس از حذف روستاهای موردنظر
استان	۰/۴۷	۰/۸۳
نیشابور	۰/۷۲	۰/۹۲

همبستگی بین سواد روستا و شاخص کلی مشارکت: محاسبه ضریب همبستگی بین سطوح مختلف سواد و شاخص کلی مشارکت امکان پذیر نبود، ولی این ضریب تنها در مورد افراد بی سواد و کم سواد محاسبه شد که معادل (۰/۹۵-) میباشد و بیانگر این است که در مورد این افراد همبستگی منفی وجود دارد.

سایر همبستگی ها:

ضرایب همبستگی متعدد دیگری نیز مورد محاسبه قرار گرفت، ولی نتیجه معنی داری بدست نیامد که علت آن نمی تواند فقط عدم وجود همبستگی باشد، بلکه بدلیل کم بودن تعداد نمونه ها در این موارد نمی توان حکمی صادر کرد.

مسائل، مشکلات و پیشنهادات

۱- مسائل و مشکلات شوراها:

شوراهای اسلامی روستائی با مسائل و مشکلات متعددی روبرو هستند، بعضی از این مسائل و مشکلات، اختصاص به برخی از شوراها دارد ولی پاره ای دیگر تقریباً جنبه عمومی داشته و شوراهای مختلف، کم و بیش با این مسائل روبرو هستند، اهم این مسائل و مشکلات عبارتند از:

— پائین بودن سطح درآمد روستائیان — بدی وضع اقتصادی روستا در جوانب مختلف زندگی روستائیان تأثیر می گذارد و یکی از این جوانب، اجرای طرحهای عمرانی در روستاهاست. چون برای روستائیان امکان چندانی

● پائین بودن سطح درآمد روستائیان، وجود عوامل سد کننده فعالیت شوراها و بازدارنده مشارکت روستائیان (عمده مالکین و عوامل وابسته به رژیم)، پائین بودن سطح آگاهی روستائیان، مصرف مواد مخدر، به رسمیت شناخته نشدن شوراها از طرف ادارات و سازمانهای مختلف، بی سوادی و کم سوادی اعضای شوراها، قطبی شدن شوراها و توزیع کالا از اهم مسائل و مشکلات شوراهای اسلامی روستائی می باشند.

برای مشارکت اقتصادی وجود ندارد، دولت نیز صد درصد هزینه طرحها را نمی تواند تقبل نماید، لذا جلوی اجرای طرحهای مختلف گرفته میشود.

— وجود عواملی که بصورتهای مختلف مانع اجرای فعالیت شورا و عوامل بازدارنده ای در مشارکت روستائیان می باشند. این عوامل که عموماً عمده مالکین یا عوامل وابسته به رژیم گذشته هستند، کم و بیش از راههای مختلف موانعی در قبال فعالیتهای شورا بوجود می آورند.

— پائین بودن سطح آگاهی روستائیان که در برخی روستاها، همکاری و مشارکت لازم را با شوراها نمی نمایند. و این عدم همکاری بلحاظ آشنا نبودن آنان با جریان مشارکت و تأثیری که این جریان می تواند در افزایش سطح زندگی آنان داشته باشد، است.

— مصرف مواد مخدر در روستاهائی که مصرف مواد مخدر رواج دارد، از میزان مشارکت و اجرای طرحهای عمرانی کاسته شده است.

— برسمیت شناخته نشدن شوراها از طرف ادارات و سازمانهای مختلف؛ این امر موجب گردیده تا از شوراها پشتیبانی کافی بعمل نیاید و در خیلی از موارد حالت یأس و نومیدی بین اعضای شورا بوجود آمده است.

— نبودن همکاری لازم و وابسته از طرف برخی ارگانها و سازمانها باشورا.

— بی سوادی و کم سوادی اکثر اعضای شوراها.

— عدم برگزاری دوره های آموزشی لازم و کافی برای اعضای شوراها.



— پائین بودن سطح سواد روستائیان.

— قطبی شدن شوراهای؛ به این معنی که در اکثر شوراهای، تقسیم کارمتناسبی بین اعضای شورا انجام نگرفته و یا اگر انجام گرفته بصورت رسمی و یا ظاهری می باشد. در هر صورت تمام و یا اغلب کارهای مربوط به شورا توسط یک یا دو نفر از اعضای شورا انجام می پذیرد. از این گذشته در برخی از روستاهائی که انتخابات چندین دوره تجدید گردیده برخی از اعضای دوره های قبلی مجدداً انتخاب شده اند. البته این امر، مشکلی جدی در کار شورا ممکن است ایجاد نکرده باشد ولی بهر صورت جلوه ای از قطبی شدن می باشد.

— توزیع کالاهای، قرعه کشی و انجام امور روزمره روستا، شوراهای را از فعالیتهای اصلی آنها باز داشته؛ علاوه موجبات بدبینی روستائیان به اعضای شورا نیز فراهم کرده است.

۲-پیشنهادات

— اجرای طرحها و برنامه هائی برای بالا بردن میزان درآمد روستائیان که عمدتاً بدلیل کمبود آب و یا زمین زراعی میباشد، از طریق کمک بیشتر به لایروبی و احیای قنوات، اجرای سیستم صحیح آبیاری، ایجاد یا ترویج صنایع دستی مناسب مناطق مختلف.

— برخورد قاطع با عوامل بازدارنده از قبیل مالکین و یا عوامل وابسته رژیم گذشته در روستاها و رسیدگی دقیق به وضع فعالیت این عوامل.

— توجه بیشتر به برنامه های فرهنگی و تبلیغاتی و اینکه توسعه، صرفاً از دیدگاه اقتصادی آن مورد نظر نباشد؛ بلکه توجه کافی به جریان توسعه فرهنگی روستا نیز بعمل آید.

— برسمیت شناختن شورا از طرف سازمانها و ارگانهای مختلف.

— برگزاری انتخابات شوراهای در موعد مقرر.
— برگزاری دوره های آموزشی برای اعضای شورا در جهت آشنا ساختن آنها با اهداف و وظایف شورا و توجیه امر مشارکت.

— توجه به وضع اعضای شورا بصورتی مناسب، تا بتوان وقتی را که آنها صرف امور مربوط به شورا می نمایند و در نتیجه از فعالیتهای روزمره شان کاسته می شود، جبران کرد.

نتیجه گیری

شوراهای اسلامی روستائی که بر مبنای تعالیم عالیة اسلام تشکیل شده و متناسب با شرایط انقلابی جامعه می باشند، تأثیر قابل توجهی در روستاها داشته اند. اگر به

جامعه روستائی بعنوان یک سیستم و مجموعه نگریسته شود و تمامی جوانب زندگی متناسب با هم تحول پیدا کنند، توسعه هماهنگ روستا امکان پذیر می گردد. این توسعه هماهنگ از طریق مشارکت درست و واقعی روستائیان تحقق پیدا می کند و نهادی که این مشارکت را فراهم ساخته و هماهنگی لازم را در سطح روستا بوجود می آورد، همین شوراهای اسلامی هستند.

از طریق اجرای تحقیقاتی مشابه، میتوان ضعف و قوت شوراهای در مناطق مختلف پی برد و از تجربه گذشته در راه بهبود آینده شوراهای بهره گرفت.

اگر قدرت تصمیم گیری و اعتماد به نفس روستائیان تقویت گردد و آگاهی آنان نسبت به منافع خود و جامعه شان افزایش پیدا کند، جلب مشارکت بیشتر روستائیان امکان پذیر می باشد و موجبات تقویت شوراهای فراهم می آید.

افزایش سطح سواد و آموزش روستائیان، البته آموزشی که موجب بیگانگی آنان با روستا نشود، مشارکت بیشتر آنان را جلب خواهد کرد. همانطور که در این بررسی مقدماتی نشان داده شده است، بین میزان مشارکت و میزان سواد نوعی همبستگی وجود دارد، البته همبستگی معنی دار بدست آمده در سطوح پائین سواد است که منفی می باشد. از این امر نمی توان نتیجه گرفت که بین سطوح بالا تر سواد و امر مشارکت یقیناً و حتماً همبستگی معنی دار مثبت وجود دارد. نبودن همبستگی معنی دار بین سطوح بالا تر سواد و مشارکت، هم می تواند بدلیل کم بودن حجم روستاهای نمونه باشد و هم بیانگر حقیقی دیگر، به این معنی که سطوح بالا تر سواد چون موجب گسستگی روستائی بامحیط زندگی روستا شده است (البته باید در نظر داشت که خیلی از این سطوح بالا تر سواد در نتیجه آموزش های غلط رژیم گذشته حاصل شده است)، میزان مشارکت را پائین آورده است. البته این ادعا به اثبات نرسیده و در اینجا فقط بعنوان یک فرضیه احتمالی در کنار دیگر ارائه شده، ذکر می شود.

تقویت هر چه بیشتر شوراهای و از بین بردن موانع مشارکت روستائیان، مقابله با مشکلات و اجرای پیشنهادات ارائه شده بصورت اقداماتی هماهنگ، می تواند شوراهای را تقویت کرده و در نهایت تصمیم گیری و مشارکت را در سطح وسیع تری گسترش دهد.

زیر نویس:

۱- منوچهر صبوری کاشانی نژاد: نقش انجمنهای ده در تصمیم گیری و مشارکت محلی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ص ۵۰.

● اگر به جامعه روستائی به عنوان یک سیستم و مجموعه نگریسته شود و تمامی جوانب زندگی متناسب با هم تحول پیدا کنند، توسعه هماهنگ روستا امکان پذیر میگردد. این توسعه هماهنگ از طریق مشارکت درست و واقعی روستائیان تحقق پیدا می کند و نهادی که این مشارکت را فراهم ساخته و هماهنگی لازم را در سطح روستا بوجود می آورد، همین شوراهای اسلامی هستند.